

تتبع و نگارش: ب.ش.فخر

اول می ۲۰۱۰

تجلیل از اول ماه می

پیشینه اول ماه می و تعیین این روز به نام روز کارگر به اواخر قرن نوزدهم میلادی بر میگردد. در این زمان با رشد سرمایه داری کمیت و کیفیت کارگران در اروپا و امریکا وسیعاً افزایش می یابد. تولید متمرکز میشود که یکی از عوامل رشد کیفی و ارتقای سطح آگاهی و همبسته گی کارگران میگردد. و آهسته آهسته دامنه اعتصابات و تظاهرات کارگران توسعه می یابد.

جهان سرمایه برای تداوم تولید ارزش اضافی، بیش از پیش به نیروی کار و قوانین حمایتی از کارگران یورش برده و سطح معیشت و رفاه توده ها را پایین می آورند. هزاران کارگر از کار برکنار مینمایند

حاکمیت سرمایه تمام اعمال، خدمات، روابط و حتی تمام انسان ها را کالا می بیند. طبقه کارگر برای رسیدن به دنیای فارغ از هر گونه ستم و نا برابری و کوبیدن آخرین میخ بر تابوت نظام سرمایه داری مبارزات قهرمانانه خود را ادامه می دهد. با وجود اینکه دشواری ها و فداکاری های فعالین و پیشروان طبقه کارگر در تاریخ زیاد بوده که زبان از گفتن و قلم از نوشتن آن عاجز است. یکی از این روز ها اول ماه می روز همبستگی جهانی کارگران است که به همین بهانه توجه خواننده گرامی را به نکات زیر جلب مینمایم :

برگزاری جشنواره اول ماه می ریشه در فرهنگ یونان و روم باستان دارد که نه به عنوان روز همبستگی کارگران بلکه به عنوان جشن فرارسیدن بهار و آغاز موسم کشت و کار و یا خلاصه جشن دهقان تجلیل میگردد.

تجلیل از اول ماه می در سرزمین اروپای شرقی بیشتر توسط قوم بنام سلت Celt ها گسترش پیدا کرد. این روز برای این قوم که روز مقدسی هم بود به عنوان جشن آتش برگزار میشد. (امروز نیز در بعضی کشور های اروپایی از آن تجلیل میشود) و بعد ها

اقوام دیگر مانند ساکسون ها با تقلید از سلت ها این روز را در پیوند با مقدم بهار گرامی میداشتند. اما از آنجایی که جشن اول ماه می جنبه مذهبی مسیحی نداشت، مقامات کلیسا برگزاری آن را منع و شرکت در آن را تحریم کردند. اما آن عده از مسیحیان که علاقمند این مراسم بودند و نمی خواستند که شناخته شوند، با گذاشتن ماسک بر روی خود در این مراسم شرکت می کردند. ولی مردم عادی بدون توجه به ممنوعیت اعلام شده توسط روحانیان کلیسا، همچنان به برگزاری مراسم روز اول ماه می ادامه میدادند. تا اینکه دامنه این مراسم به عنوان جشن بهار همراه با مهاجران اروپایی تا سایر قاره ها رسید.

در آمریکا هم برگزاری این جشن توسط روحانیان متصعب این سر زمین تحریم شد. اما با گذشت زمان، مقامات کلیسا مجبور شدند در نحوه برخورد خود با این مراسم، تجدید نظر کنند.

تاریخ گواه آن است که در امریکا، ده ها حادثه رخ داده است که زمامداران آمریکایی نه تنها آن را گرامی نداشتند و صاحب نشده، بلکه نظر به نوع سیستم حکومت سرمایه داری شان، آن حوادث تاریخی را به باد فراموشی سپرده اند. مثلاً یکی از ده ها حادثه بزرگ «روز کارگر» است که در تاریخ امریکا ریشه دارد.

بسیاری مردمان جهان چنین فکر می کنند که این روز و بزرگداشت از این روز از ابتکارات و تضامیم دولتمردان کشورهایی است که روزگاری اصطلاحاً «بلوک شرق» به آن اطلاق میشد و گمان میبرند که از «اتحاد جماهیر شوروی سابق، کشور شورا ها» آمده است. در بسا تحلیل ها و مباحث تاریخی، بی گمان ریشه های روز جهانی کار را با مطالبات کارگران بویژه برای هشت ساعت کار در روز و دست کم یک روز رخصتی در هفته (یکشنبه) پیوند میدهند. در برخی از نوشته ها ایده و یا مطالبه تقلیل ساعات کار در روز را به روبرت اوون (Robert OWEN) ۱۷۷۱ - ۱۸۵۸ که او را بنیانگذار «جنبش تعاونی» مینامند، قلمداد میکنند. البته روبرت اوون در سال ۱۸۱۰ ده ساعت کار در روز را پیشنهاد کرد که این خود مصادف به زمانی بود که هزاران کارگر روزانه بیشتر از ۱۲ ساعت کار میکردند و ظالمانه تر اینکه از کودکان پایین از ۱۲ سال به همین پیمان کار گرفته میشد. اما واقعیت اینست که علت انتخاب

این روز به عنوان «روز جهانی کارگر»، از واقعه به خاک و خون کشانیدن اعتصابیهای کارگران کارخانه های نساجی ایالت شیکاگوی به اصطلاح کشور دموکراتیک آمریکا به میان آمده است که در سال ۱۸۸۶ میلادی برای دستمزد اضافی و ایجاد قانون عادلانه کار دست به تظاهرات مسالمت آمیز زده بودند.

در نخستین سال های دهه ۱۸۸۰، کارگران آمریکای شمالی روزانه چهارده تا شانزده ساعت کار مینمودند که به منظور کاهش ساعات کار روزانه به هشت ساعت، مبارزاتی را آغاز کردند.

در سال ۱۸۸۴، فدراسیون سندیکای کارگری آمریکا تقاضا کرد که از روز اول ماه می سال ۱۸۸۶ تعداد ساعات کار به هشت ساعت در روز به صورت قانونی رعایت گردد. در اپریل سال ۱۸۸۶، حدود ۳۴۰ هزار کارگر موسسات مختلف به منظور تحقق این خواست، در نقاط مختلف آمریکا راهپیمایی کردند و از جمله ۱۹۰ هزار کارگر در سراسر آمریکا دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب ها از اول ماه می مسالمت آمیز بوده تا این که روز سوم ماه می، پلیس به سوی تظاهرکننده گان آتش گشود چهار تن از کارگران ایالت شیکاگو کشور آمریکا کشته و تعدادی هم زخمی شدند. فردای آن روز زمانیکه تظاهراتی در اعتراض به کشته شدن آن کارگران، در میدان به نام "هی مارک اسکویر (Haymark Square)" ایالت شیکاگو برگزار می شد، میان تظاهرکنندگان و پلیس درگیری صورت گرفت. و در انجا بمبی منفجر شد که به مرگ هشت تن و زخمی شدن شصت و هفت تن دیگر انجامید.



این رویداد دست پولیس را باز میگذارد تا عده زیاد از فعالین سیاسی را بازداشت و محاکمه کند. بدین سان ۵ تن از فعالین و رهبران جنبش کارگری بدون کوچکترین مدرکی محکوم به اعدام میشوند. ۴ تن شان در ۱۱ نوامبر سال ۱۸۸۷ به جوخه دار

سپرده میشوند که آن روز به جمعه سیاه شهرت یافته است. یک تن دیگر بقول پولیس قبل از اعدام در سلولش خودکشی میکند.

در گورستان والدهایم واقع در شیکاگو روی لوح مزار یکی ازین اعدامی ها بنام August Spies آخرین سخنانش بدین گونه نقش شده است :

« روزی فرا خواهد رسید که سکوت ما از فریاد هاییکه امروز خفه می کنید، رسا تر باشد».

اما تعداد زیاد کارگران در زندان باقی ماندند. این جنایت از سوی اتحادیه های کارگری در اروپا و آمریکا محکوم گردید یکی از دلایل تبدیل شدن ایالت شیکاگو به مرکز مبارزات کارگران موجودیت گروه قوی سخنرانان آنزمان چون فیشر آلمانی، فیلدن انگلیسی و پاسون امریکایی در آنجا بود. موج اعتراضات و اعتصابات سر انجام پس از یک سال دولت های سرمایه داری را به عقب نشینی وا داشت. قاضی های محکمه شیکاگو به عنوان جنایت کار محاکمه شدند و از خانواده های اعدام شدگان و همه کارگران زندانی اعاده ای حیثیت شد. در ادامه، ۸ ساعت کار در روز قانونی شناخته شد و به این ترتیب روز اول ماه می که در ابتدا با مبارزه کارگران آمریکایی برای کاهش ساعات کار آغاز گردیده بود، بعد ها «روز جهانی کارگر» نام گرفت .

طوریکه سه سال بعد از این واقعه، در اول ماه می سال ۱۸۸۹، در آستانه تدارک کنگره بین المللی کارگران در کشور ایتالیا، این مسله مطرح بود که به یاد بود از این قربانیان و زندانیان، روز اول ماه می را «روز کارگر» بنامند. ولی همین کنگره نیز، و بیشتر به علت چنین تصمیمی، از طرف پلیس ایتالیا مورد یورش قرار گرفت که کار به تیر اندازی کشید و عده ای از شرکت کنندگان آن گردهم آیی را به گلوله بستند، این خود به قول معروف، خون را تازه کرد و رهبران جنبش کارگری کنگره را در تصمیم شان مصمم تر ساخت.

بالاخره در اولین کنگره انترناسیونال دوم در سال ۱۸۸۹ در پاریس، روز اول ماه می را به پاس بزرگداشت کارگران کشته شده آمریکایی، روز جهانی کارگر اعلام کردند. سردمداران کشور به اصطلاح دموکراتیک امریکا علاوه از اینکه این روز را گرامی نداشتند بلکه فراموش هم کردند اما همبسته گی جهانی کارگران این روز را تقریباً در

تمامی کشور های جهان رسمیت بخشید. از آن تاریخ به بعد، به خاطر بزرگداشت از این روز در بسیاری از کشور های جهان مراسم خاص برگزار می شود و تعطیل عمومی است.

در اول می سال ۱۸۹۰ تظاهرات وسیع کارگران در امریکا، ارجنتاین و ۱۸ کشور اروپایی براه افتید. پس از جنگ جهانی دوم، اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای بلوک سوسیالیستی و تعدادی کشور های دیگر روز اول ماه می - روز جهانی کارگر- را با مراسم خاص و هر چه باشکوه تر برگزار می کردند پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بر افتادن رژیم های سوسیالیستی در کشور های اروپای شرقی، برگزاری مراسم روز اول ماه می فقط به انجام تظاهرات کارگران برای دریافت حقوق شان محدود شده است.

لازم به تذکر است اینکه روز اول ماه می در ایالات متحده امریکا، تعطیل عمومی نبوده و مراسم خاصی هم در این روز برگزار نمی گردد. در عوض دوشنبه اول ماه سپتمبر در این کشور، به عنوان روز کارگر تعطیل عمومی است. شاید هم تغییر این روز از اول ماه می به دوشنبه اول ماه سپتمبر پرده پوشی جنایات باشد که حکومت وقت ایالات متحده امریکا در ماه می سال ۱۸۸۶ انجام داده است.

و اما آنچه مربوط به اول ماه می و تجلیل از آن در کشور ما افغانستان میشود اینست که این روز نیز همانند ۳۶۵ روز دیگر در آتش و دود جنگ های خانمانسوز این چند دهه اخیر محو شده و چنان زحمتکشان را مصروف زنده گی شباروزی شان کرده که دیگر مسئله مرگ و زندگی برایشان مطرح است.

تاریخ جشنواره اول می در کشور ما به تاریخ مبارزات زحمتکشان افغانستان به سال های دهه چهارم قرن گذشته، اعتصاب کارگران کارخانه های جنگلک، اعتصاب و میتینگ کارگران مطبوعه دولتی، میتینگ اعتصابی کارگران فابریکه های نساجی و بایسکل سازی پلچرخ در حومه شهر کابل، اعتصاب راننده گان بسها و موترهای باربری دولتی در کابل، اعتصاب کارگران و کارمندان پشمینه بافی قندهار، میتینگ اعتصابی کارگران فابریکه برق غوری در پلخمري، اعتصاب کارگران فابریکه نساجی پلخمري، میتینگ اعتصابی کارگران نفت و گاز شمال، مارش کارگران شبرغان بسوی

کابل، اعتصاب یونیت قیرریزی شاهراه پلخمري- شبرغان، تظاهرات و اعتصابهای دوهزار تن از شاگردان مکاتب عالی که از شمول به دانشگاه کابل بازداشت شده بودند، اعتصاب در انستیتیوت تکنالوژی، اعتصابها و میتینگ ها در مکاتب مختلفه کابل، مظاهره های خیابانی جمعی محصلان و شاگردان و برخورد آنان با نیروهای راست افراطی، اعتصابهای در دانشکده های مختلفه دانشگاه کابل بخاطر برنامه های تحصیلی و همچنان مارش معروف اضافه از ۳۵۰ تن از کارگران و کارمندان آگاه تاسیسه های نفت و گاز شبرغان که کارگران مارش کننده از شهر شبرغان تا شهر مزارشريف و سپس تا پلخمري و سالنگ بفاصله ۳۵۰ کیلومتر راه را پیاده پیمودند. برمیگردد. طوریکه «لویس دوپری» در اثر خود بنام «افغانستان» از آن ذکر نموده و یاد آور میشود که تمام این اعتطاب ها و مظاهره ها در ماه می سالهای مختلفه صورت گرفته است. در کلکسیون سال ۱۳۴۷ جریده پرچم تحت عنوان گزارشهای کارگری آمده است: ابتدایی ترین مطالبات صنفی کارگران صنعتی ترانسپورتی و نساجی گلبهار پلخمري، مطبعه ء دولتی، تفحصات شبرغان، کارگران خانه سازی، سپین زر کندز و کارگران ثابت قدم فابریکه های افزارسازی جنگلک سرکوب گردیده و آگاه ترین کارگران شناسایی و به شیوه توطیه گرانه بازداشت، محاکمه، زندانی و از کار اخراج گردیدند. روشنفکران کارمندان پایین رتبه فرهنگي، دکتوران طب، استادان دانشگاه کابل، معلمان معارف توقیف و محاکمه و به حبس های طویل محکوم شدند بر حریم دانشگاه کابل، لیسه های ابن سینا دارلمعلمین، لیسه های هرات مزارشريف و غزنی حمله جارحانه صورت گرفت . افکار و عقاید سیاسی استادان معارف به شیوه قرون وسطایی مورد تفتیش قرارگرفت بر نماینده گان منتخب و اعضای اتحادیه کارگران و کارمندان هوانوردی ملکی حمله ضد قانونی و وحشیانه صورت گرفت شماری از آنان بیباکانه زندانی شدند.

همه ساله در سراسر جهان زحمتکشان این روز را گرامی می دارند و همراه با کارگران با سرود «بر خیزید نفرین گشته گان خاک» یا همان سرود معروف «انترناسیونال» بر لب صدای اعتراض خود را علیه غول جهانی شدن سرمایه تبارز داده واعلام میکنند که تنها خواست شان محدود به کاهش ساعات کار نبوده بلکه خواستار ارتقاء سطح رفاه زندگی و معیشت و ... توده ها هستند.

بلی از سرود انترناسیونال یاد کردیم این سرود که با روز جهانی کارگر در روز اول ماه می عجین شده است بیشتر از هر سرودی دیگر مانند سمفونی شماره ۹ بتهوون خوانده و شنیده شده است.

شعر «انترناسیونال» در اصل به زبان فرانسوی توسط «اوژن پوتیه Eugén Pottier» سروده شده است. اوژن پوتیه در خانواده ای فقیر تولد یافت و تمام عمر خود را در فقر سپری کرد. او ابتدا کارگر بسته‌بندی، و بعدها به عنوان قالب‌ریز اجرای وظیفه مینموده و امرار معاش می‌کرد.

در روز های تشکیل کمون پاریس در سال ۱۸۷۱ میلادی «اوژن پوتیه» به عضویت کمون انتخاب شد، ولی بعد از حمله پلیس فرانسه در ۱۸ مارچ آن سال و سقوط کمون ، « اوژن پوتیه» مجبور شد به انگلستان و از آنجا به آمریکا مهاجر گردد. شعر مشهور «انترناسیونال» را او در سال ۱۸۷۱ میلادی و در فردای شکست خونین سرود.

«اوژن پوتیه» در سال ۱۸۸۰ میلادی دوباره به فرانسه برگشت. و اولین مجموعه اشعارش در سال ۱۸۸۴، و دومین جلد آن تحت عنوان «ترانه‌های انقلابی» در سال ۱۸۸۷ اقبال چاپ یافت. او سه سال بعد از چاپ این مجموعه، در هشتم نوامبر سال ۱۸۸۷ در فقر و تنگدستی در پاریس درگذشت. « اوژن پواتیه» در قبرستان پرلاشر، و در محل دفن کمونارهای اعدامی پاریس به خاک سپرده شده است .

در ماه جون سال ۱۸۸۸ میلادی، شش ماه بعد از مرگ «اوژن پوتیه» ، «پی‌یر دوژیته» (Pierre Degeyter) که او نیز کارگر بود، با دستگاه ارگن بسیار ساده ای که در خانه داشت ریتم و آهنگی برای این شعر آماده کرد که بعد ها «سرود انترناسیونال» نام گرفت. یکی از خصوصیات متباز این آهنگ و سرود این است که برای اجرای آن ضرورت به حضور نوازندگان و نواختن آلات و ابزار موسیقی نیست و همگان ترجیحاً در شکل گروهی آن می‌توانند این سرود را بدون آهنگ اجرا نمایند و اگر هر یک به زبان کشور خود هم بخوانند در ریتم آن تغییری وارد نمیشود.

یکماه بعد از ایجاد آهنگ، این سرود برای اولین بار در جولای سال ۱۸۸۸ میلادی در یک گردهمایی از سوی اخبار فروشان شهر «لیل» در فرانسه به صورت گروهی به رهبری «پییر دوژیتته» اجرا گردید .

«سرود انترناسیونال» به تمامی زبان های عمده دنیا ترجمه شد. «ابوالقاسم لاهوتی» آنرا اولین بار به زبان فارسی ترجمه کرد. تجدید ترجمه این سرود در کشور ما در سال ۱۳۶۱ توسط عبدالله نایبی به زبان فارسی دری و اجرای آهنگ آن به شکل گروهی به رهبری آواز خوان محبوب کشور ما مسحور جمال اجرا گردیده است این سرود را میتوانید با کلیک نمودن روی «[سرود انترناسیونال](#)» در زیر صفحه بشنوید.

— فرخنده باد روز همبسته گی جهانی کارگران جهان

سرود انترناسیونال

30.04.2010

[منابع](#)

1-Kampf um 8 stunden Arbeit(Magdalena Mayer).[مقاله](#)

2-Die Geshichte der 1 Mai (Monika Stil)

3-Kampf der Gruppe Chicago (Frank Elsäss)[مقاله](#)

4-1 Mai - Der Tag der Arbeit(Mörike, Eduard)[مقاله](#)

۵- اردو و سیاست ص ۲۷۷

۶- کلکسیون سال ۱۳۴۷ جریده ء پرچم : گزارشگر کارگری این جریده

www.ayenda.org